

شکل‌گیری علوم شناختی دین واکنشی به کاستی‌های فرهنگی و فلسفی در مطالعه دین

گفت و گو با جواد درویش آقاجانی*

منوچهر دین‌پرست

علوم شناختی دین یا علوم شناختی الهیات، مطالعه اندیشه دینی و رفتار دینی از منظر علوم شناختی است و اغلب با علوم تکاملی در ارتباط است چراکه به نظر می‌رسد پایه و اساس رفتار دینی همان فرایندهای تکاملی باشد. البته این نکته قابل توجه و بررسی است. به عبارت دیگر، علوم شناختی دین کاربری یافته‌های علوم شناختی (Cognitive Science) درباره دین و هر آن چیزی است که به دین مربوط می‌شود؛ یعنی باورهای دینی، باورهای مربوط به خدا، معجزه، باورکردن آن توسط انسان و ماندگاری آن در ذهن، مناسک دینی مانند قربانی، جشن‌های دینی، نماز و عبادات و غیره. اما این پرسش‌ها را هم باید مد نظر قرار داد: چرا «باورهای دینی»، مانند باور به وجود خدا، روح، حیات پس از مرگ، ارواح مردگان، فرشتگان و شیاطین، «عواطف دینی»، مانند احساس اتحاد با کل عالم و سرسپردگی به مرجعیت دینی، و «اعمال دینی»، مانند مناسک نماز و عشای ربانی، میان جوامع انسانی این‌قدر رایج‌اند؟ این باورها، عواطف و اعمال چگونه در مغز انسان‌ها به وجود می‌آیند، شایع می‌شوند و دوام می‌آورند؟ آیا این محتوای آن‌ها است که علت شکل‌گیری و رواجشان به حساب می‌آید یا این مغز انسان و مسیر تکاملی این گونه خاص زیستی است که پیدایش و توسعه این امور را تسهیل می‌کند؟ این‌ها برخی از پرسش‌های اصلی در «علوم شناختی دین» است. گرایشی مطالعاتی در علوم شناختی که به دنبال یافتن مبانی شناختی باورها، عواطف و اعمال دینی است. علوم شناختی دین گرایش تازه‌ای در دین‌پژوهی است که به جای استفاده از روش‌های کلاسیک، بر استفاده از یافته‌های تجربی، آزمایشگاهی و تکاملی در بررسی مغز و ذهن انسان تأکید دارد. در گفت‌وگوی حاضر دکتر درویش سعی نموده به صورت مختصر و موجز نسبت علوم شناختی و دین را توضیح دهد. ایشان مؤلف کتاب فعل الهی در طبیعت؛ بررسی مسئله فعل الهی در رویارویی با مبانی علوم جدید و همچنین ترجمه کتاب قلمرو زدایی علم و دین است.



شماره

اساساً علوم شناختی و دین و الهیات چه نسبتی با هم دارند و چرا سعی شده از بحثی به نام علوم شناختی دین و الهیات صحبت شود؟

علوم شناختی دین (Cognitive Science of Religion یا CSR) شاخه‌ای میان‌رشته‌ای است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی به‌عنوان زیرشاخه‌ای از علوم شناختی پایه‌گذاری شد. هدف این رشته، توضیح و تبیین علمی دلایل شکل‌گیری، تداوم و گسترش باورها و رفتارهای دینی در انسان است. این رشته با استفاده از نظریه‌ها و روش‌های علوم شناختی، روان‌شناسی، انسان‌شناسی، تکامل، و علوم فرهنگی، تلاش می‌کند تا به پرسش‌هایی مانند منشأ باورهای دینی، عوامل گسترش این باورها، و تأثیرات دین بر رفتار و جوامع انسانی پاسخ دهد.

۱. نسبت علوم شناختی و دین:

علوم شناختی دین بر این فرض استوار است که ذهن انسان به‌طور طبیعی گرایش به مفاهیمی مانند غایت‌مندی، وجود نیروهای فرامادی، و قصدمندی در جهان دارد. این گرایش‌ها نتیجه تکامل ذهن انسان برای حل مشکلات محیطی در طول تاریخ هستند. به‌عنوان مثال، فرضیه «ابزار بسیار فعال کشف عامل» (HADD) توضیح می‌دهد که انسان‌ها به‌طور طبیعی تمایل دارند علت رویدادها را به عواملی قصدمند نسبت دهند، حتی اگر دلیلی واقعی وجود نداشته باشد. این ویژگی شناختی می‌تواند منشأ بسیاری از باورهای دینی باشد.

۲. دلایل شکل‌گیری علوم شناختی دین:

علوم شناختی دین به‌عنوان واکنشی به کاستی‌های رویکردهای فرهنگی و فلسفی در مطالعه دین شکل گرفت. در حالی که این رویکردها بر توصیف و تحلیل فرهنگی باورهای دینی تمرکز داشتند، علوم شناختی دین بر آن بود که با استفاده از روش‌های تجربی و تبیینی، الگوهای عمومی و جهانی در باورهای دینی را شناسایی کند. این رشته نشان داد که فرآیندهای شناختی زیربنایی می‌توانند نقش مهمی در شکل‌گیری و تداوم باورهای دینی ایفا کنند.

۳. چرا علوم شناختی دین و الهیات؟

دلیل اصلی ترکیب علوم شناختی با دین و الهیات، فراهم‌سازی ابزاری علمی برای مطالعه دین از منظر روان‌شناسی و علوم شناختی است. این ترکیب به درک عمیق‌تر پدیده‌های دینی کمک می‌کند و امکان مطالعه باورهای دینی در بستر فرهنگ‌ها و تاریخ‌های مختلف را فراهم می‌سازد. به‌علاوه، علوم شناختی دین ابزارهایی برای بررسی عوامل زیربنایی مشترک میان ادیان مختلف ارائه می‌دهد و نشان می‌دهد که چگونه دین به‌عنوان پدیده‌ای طبیعی و جهانی در انسان‌ها شکل می‌گیرد.

۴. پیامدها و فرصت‌ها:

علوم شناختی دین نه تنها فرصت‌های جدیدی برای تحلیل علمی دین فراهم کرده است، بلکه ابزارهایی برای گفتگو بین دینداران و سکولارها نیز ارائه می‌دهد. برای جوامع دیندار، این رویکرد می‌تواند به تبیین علمی باورهای دینی کمک کند، در حالی که برای جوامع سکولار، امکان مطالعه اثرات اجتماعی دین را فراهم می‌کند. علوم شناختی دین به‌طور مستقیم در پی اثبات یا رد باورهای دینی نیست. این رشته به جای ارزش‌گذاری یا قضاوت در مورد درستی یا نادرستی باورهای دینی، به تحلیل علمی فرآیندهای شناختی که منجر به شکل‌گیری و تداوم این باورها می‌شوند، می‌پردازد. به بیان دیگر، علوم شناختی دین رویکردی توصیفی دارد، نه تجویزی یا ارزش‌گذارانه. علوم شناختی دین نشان می‌دهد که ذهن انسان به‌طور طبیعی تمایلات خاصی به باورهای دینی دارد. این تمایلات می‌توانند نتیجه ویژگی‌های تکاملی ذهن انسان باشند که در محیط‌های اجدادی به بقا کمک کرده‌اند. به عنوان مثال: ابزار بسیار فعال کشف عامل (HADD): انسان‌ها تمایل دارند که عوامل قصدمند و هدفمند را حتی در شرایطی که وجود ندارند، شناسایی کنند. این ویژگی می‌تواند منشأ باور به نیروهای ماوراءطبیعی باشد.

سوگیری‌های شناختی: ذهن انسان به‌طور طبیعی تمایل دارد جهان را هدفمند ببیند و به توضیحات قصدمند گرایش نشان دهد، که این امر می‌تواند به باور به خدایان یا موجودات فرامادی منجر شود.

آیا از علوم شناختی دین برای اثبات باورهای دینی و یا نفی آنها استفاده می‌شود؟ به عبارتی متفکران علوم شناختی به اثبات ذهنیت افراد دیندار می‌پردازند؟ علوم شناختی دین در کدام جریان الهیاتی یا الحادی قرار دارد؟

علوم شناختی دین (CSR) و نظریه تکامل رابطه‌ای عمیق و پیچیده دارند. این رابطه به‌ویژه در بررسی فرآیندهای شناختی و زیربنای تکاملی آنها آشکار می‌شود. علوم شناختی دین تلاش می‌کند تا با استفاده از مفاهیم و اصول تکاملی، چگونگی شکل‌گیری باورهای دینی و دلایل تداوم آنها را در میان انسان‌ها توضیح دهد. در ادامه به این نسبت و امکان تفسیر علوم شناختی دین در امتداد نظریه تکامل پرداخته می‌شود.

۱. علوم شناختی دین و ابزارهای شناختی تکامل‌یافته:

مطالعات علوم شناختی دین بر این باورند که ذهن انسان دارای ابزارهای شناختی تکامل‌یافته‌ای است که به بقا و انتقال اطلاعات کمک کرده‌اند. این ابزارها در شکل‌گیری باورهای دینی نقش داشته‌اند:

ابزار بسیار فعال کشف عامل (HADD).

سوگیری غایتمندی.

۲. نظریه‌های تکاملی در علوم شناختی دین:

نظریه‌های تکاملی در CSR توضیح می‌دهند که چرا باورهای دینی به‌طور گسترده‌ای در جوامع انسانی گسترش یافته و باقی مانده‌اند. دو نظریه برجسته در این زمینه عبارتند از:

الف. رویکرد استعدادی (Dispositional Account): این نظریه معتقد است که برخی باورها، مانند باورهای دینی، به دلیل سازگاری با ذهن انسان یا به‌عنوان محصول فرعی تکامل باقی مانده‌اند. این باورها توانسته‌اند به‌خوبی میان نسل‌ها و فرهنگ‌ها انتقال یابند.

ب. مدل اپیدمیولوژی بازنمایی‌ها: پاسکال بویر و دیگران بیان کرده‌اند که باورهای دینی به دلیل تطابق با سوگیری‌های شناختی انسان، مانند توانایی تمایز بین عوامل قصدمند و غیرقصدمند، در جوامع انسانی به‌سرعت گسترش یافته‌اند.

۳. علوم شناختی دین به‌عنوان امتداد مطالعات تکاملی: می‌توان علوم شناختی دین را بخشی از مطالعات تکاملی دانست، زیرا:

تأثیر محیط تکاملی: ذهن انسان در محیط‌های اجدادی (EEA) تکامل یافته و بسیاری از ویژگی‌های شناختی، مانند تمایل به پذیرش الگوهای خاص، در این محیط شکل گرفته‌اند.

پیوند بین شناخت و تکامل: بسیاری از فرآیندهای شناختی که منجر به باورهای دینی شده‌اند، نتیجه انطباق با نیازهای زیستی و اجتماعی در طول تاریخ تکامل هستند.

نسبت علوم شناختی و تکامل چیست؟ آیا می‌توان علوم شناختی دین را در امتداد تکامل دانست که پیش از این بسیاری متفکران تکامل آن را طرح کردند؟

علوم شناختی دین می‌تواند به جوامع دیندار کمک کند تا ریشه‌ها و دلایل شناختی باورهای دینی خود را بهتر درک کرده و از این دانش برای اهداف فرهنگی و اجتماعی استفاده کنند:

تقویت هویت دینی: CSR نشان می‌دهد که بسیاری از باورهای دینی ریشه در فرآیندهای طبیعی ذهن انسان دارند. این می‌تواند به دینداران کمک کند تا باورهای خود را به‌عنوان بخشی از طبیعت انسانی ببینند و هویت دینی خود را تقویت کنند.

انتقال مؤثر باورها: با درک نحوه انتقال باورهای دینی از طریق فرآیندهای شناختی، جوامع دیندار می‌توانند شیوه‌های جدیدی برای حفظ و گسترش فرهنگ دینی خود بیابند. به‌عنوان مثال، تأکید بر قصه‌گویی دینی یا مراسم مذهبی ساده می‌تواند با سازگاری شناختی ذهن انسان همخوانی بیشتری داشته باشد.

افزایش گفت‌وگوهای درون‌دینی: CSR می‌تواند توضیح دهد که چرا اختلافات در تفسیر باورها و آیین‌ها به وجود می‌آیند و چگونه می‌توان از این دانش برای تقویت همگرایی در میان گروه‌های مختلف دینی استفاده کرد.

علوم شناختی دین چه فرصتی را برای جوامع دیندار و سکولار فراهم می‌کند؟

برای جوامع سکولار، CSR یک رویکرد علمی برای تحلیل دین فراهم می‌کند، بدون اینکه ارزش‌گذاری یا قضاوت در مورد درستی یا نادرستی آن داشته باشد:

درک علمی دین: CSR با توضیح چگونگی شکل‌گیری و گسترش باورهای دینی از طریق فرآیندهای شناختی و فرهنگی، امکان مطالعه علمی دین را فراهم می‌کند. این می‌تواند به جوامع سکولار کمک کند تا دین را نه به‌عنوان یک تهدید، بلکه به‌عنوان بخشی از طبیعت انسانی درک کنند.

تحلیل تأثیرات اجتماعی دین: CSR می‌تواند به تحلیل علمی اثرات مثبت و منفی دین بر رفتارهای اجتماعی، مانند انسجام گروهی، همکاری، یا تعارضات فرهنگی کمک کند. این تحلیل‌ها می‌توانند در سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مورد استفاده قرار گیرند.

تقویت همزیستی فرهنگی: CSR با نشان دادن شباهت‌های شناختی در باورهای دینی مختلف، می‌تواند به ایجاد تفاهم و همزیستی میان گروه‌های دینی و سکولار کمک کند. این رویکرد نشان می‌دهد که بسیاری از تفاوت‌های دینی ریشه در تفسیرهای فرهنگی دارند و نه در ذات انسان.

نقش CSR به‌عنوان پل میان دینداران و سکولارها: CSR می‌تواند به‌عنوان پلی برای گفت‌وگو میان دینداران و سکولارها عمل کند:

ایجاد فهم مشترک: با توضیح علمی اینکه چرا باورهای دینی شکل می‌گیرند و چگونه بر رفتارها تأثیر می‌گذارند، این حوزه می‌تواند زمینه‌ای برای گفت‌وگوی سازنده میان گروه‌های مختلف فراهم کند.

کاهش تعارضات فرهنگی: درک اینکه باورهای دینی نتیجه تعاملات پیچیده شناختی و فرهنگی هستند، می‌تواند تعارضات فرهنگی ناشی از تفاوت‌های دینی را کاهش دهد.

* استادیار پژوهشکده مطالعات بنیادین علم و فناوری، دانشگاه شهید بهشتی